

## ایرانیان و نقش کوفه در تشیع آنان

دکتر حسین پوراحمدی / علی بابایی سیاب

استادیار دانشگاه شیراز / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

### چکیده

شهر کوفه در دوران عمر و برای اسکان سپاهیان اسلام بنا نهاده شد. مکان بناگذاری آن در شش کیلومتری شهر باستانی «حیره» بود. اولین پایه‌های تشیع در کوفه با امارت عمّار یاسر در آنجا ریخته شده و با انتخاب این شهر به مرکزیت خلافت اسلامی توسط امام علی علیه السلام تثبیت گردید. ایرانیان، که از همان آغاز، بخش قابل توجهی از جمعیت این شهر را تشکیل می‌دادند، تحت تأثیر برخی عوامل، از قبیل سیاست‌های عرب‌گرایانه عمر و عثمان، عدالت و برابری که در دوران خلافت علی علیه السلام در کوفه مشاهده کرده بودند و جنبش‌های شیعی که در این شهر به وقوع می‌پیوست، به مذهب تشیع گرایش پیدا کردند. تشیع کوفه بعدها توسط همین ایرانیان ساکن در کوفه، خاندان اشعری و سادات مهاجر به ایران و نیز در نتیجه تعامل علمی با مراکز علمی ایران (به‌ویژه قم)، به ایران منتقل شد و به سبب آنکه بخش عظیمی از تعالیم آن در نتیجه ارتباط بدون واسطه با ائمه اطهار علیهم السلام حاصل شده بود و نیز عدم تغییر آن طی قرون متمادی، دارای خلوص بالایی است.

**کلیدواژه‌ها:** کوفه، تشیع، ایران، اشعری.

## مقدمه

با نگاهی به تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهرها در دوره‌های گوناگون، می‌توان به نقش آنها در انتقال فرهنگ، عقاید، دین و مذهب از یک سرزمین یا منطقه جغرافیایی به دیگر سرزمین‌ها و مناطق جغرافیایی پی برد. نکته مهمی که در خصوص این شهرها می‌توان به آن اشاره نمود و در واقع، عامل اساسی در انتساب چنین کارکردی بدان‌هاست، واقع شدن آنها در مناطق سوق‌الجیشی یا مسیرهای تجاری پر رفت و آمد و در نتیجه، تراکم و ترکیب جمعیتی متنوع آنهاست. این تنوع جمعیتی و به تبع آن، تنوع عقیدتی - سیاسی، گاهی به بروز کشمکش‌هایی میان پیروان عقاید گوناگون منجر می‌شود. این کشمکش‌ها در نتیجه شرایط جغرافیایی و روابط تجاری با سرزمین‌های اطراف، به داخل این سرزمین‌ها نیز کشیده می‌شد و در آنها رسوخ می‌نمود.

در برهه‌هایی از تاریخ، حکومت‌ها علاوه بر کارکردهای سیاسی، خواسته یا ناخواسته از این شهرها به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ خویش به دیگر سرزمین‌ها استفاده می‌کرده‌اند. در این زمینه، می‌توان به دو شهر حیره و غسان و نقش آنها در انتقال آیین مسیحیت و زرتشتی به داخل شبه جزیره اشاره نمود. شهر کوفه نیز به عنوان وارث موقعیت جغرافیایی حیره، علاوه بر کارکرد نظامی، که عامل اساسی در تأسیس آن بود، به دلیل قرار گرفتن در مرز دو فرهنگ (اسلامی و زرتشتی) به مرور زمان، دارای همین ویژگی گردید. همان‌گونه که حیره سابق (به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که داشت) عامل انتقال فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب گوناگون (زرتشتی، مسیحی و مانند آن) به داخل شبه جزیره بود، کوفه نیز چنین نقشی ایفا می‌نمود، با این تفاوت که فرهنگ منتقل شده در این زمان، اسلام (تشیع) و مسیر انتقال از شبه جزیره به ایران بود.

اهمیت این پژوهش از آنجاست که با بررسی نقش کوفه در گرایش ایرانیان به تشیع و نیز با اثبات ارتباط گسترده علمای کوفه با ائمه اطهار علیهم السلام و دریافت مستقیم تعالیم شیعی از ایشان تا پایان غیبت صغرا (۳۲۹ق)، انتقال تمامی این دستاوردها به قم و از آنجا به دیگر نقاط کشور، می‌توان به سابقه تاریخی تشیع در میان ایرانیان پی برد.

تاکنون کتاب‌های متعددی درباره تاریخ تشیع، تاریخ کوفه، تشیع ایرانیان و مانند آن نوشته شده که از آن جمله است: تشیع در مسیر تاریخ، نوشته حسین محمد جعفری؛ تاریخ تشیع، به قلم جمعی از مؤلفان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ریشه‌های تاریخی تشیع در ایران، نوشته محمدعلی حاجیلو؛ تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران، نوشته پروین ترکمنی آذر؛ تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد، و تاریخ گسترش تشیع در ری، از رسول جعفریان. علاوه بر اینها، رسول جعفریان در اطلس شیعه به طور گسترده، به ابعاد گوناگونی از تاریخ تشیع پرداخته است.

در میان مقالات منتشر شده نیز مقالاتی از این دست چاپ و منتشر شده است: «کوفه پایگاه تشیع»، نوشته داود الهامی؛ «ریشه‌های پیدایش و گسترش تشیع در قم»، نوشته علی‌الله‌بداشتی؛ «تشیع امامی و زیدی در ایران»، نوشته ویلفرد مادلونگ، ترجمه رسول جعفریان؛ «اولین تکاپوهای تشیع در خراسان»، نوشته حسین مفتخری.<sup>۱</sup> از میان مقالات نوشته شده در این زمینه، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش کوفه در تاریخ تشیع»،<sup>۲</sup> نوشته حمید عطایی نظری، بیشترین قرابت موضوعی را با این پژوهش دارد. در این مقاله، نویسنده بحث خود را با بناگذاری و جغرافیای تاریخی کوفه شروع نموده و به موضوعاتی از قبیل فضیلت کوفه، مسجد کوفه و ساکنان آن، ترکیب جمعیتی، ارتباط کوفه و نحوه برخورد کوفیان با ائمه اطهار علیهم السلام، و بررسی مکاتب علمی،

۱. قابل دسترسی در پایگاه مجلات تخصصی: [www.noormags.com](http://www.noormags.com).

۲. قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://rasekhoon.net/article/show-21343.aspx>.

حدیثی و ادبی کوفه پرداخته و با معرفی کوتاه چند خاندان علمی در این شهر، آن را به پایان برده است. نویسنده به هر یک از این عناوین به صورت مختصر پرداخته و بحث خود را به کوفه محدود ساخته و به نحوه ورود تشیع به ایران اشاره‌ای نکرده است. آنچه اهمیت دارد این است که تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای به صورت مستقل به بررسی موضوع مورد بحث در این مقاله پرداخته است.

شیوه پژوهش در مقاله حاضر، «توصیفی - تحلیلی» بوده و برای گردآوری اطلاعات، از روش «کتابخانه‌ای» استفاده شده است.

فرضیه این مقاله آن است که شهر کوفه از جهات گوناگون، در گرایش ایرانیان به تشیع نقش اساسی ایفا نموده است که از آن جمله می‌توان به شرایط تاریخی - جغرافیایی کوفه و نقش آن در کارکرد طبیعی این شهر به عنوان عامل انتقال فرهنگی، ساختار جمعیتی کوفه، تعداد فراوان ایرانیان در این شهر و سیر مهاجرت ایرانیان و سادات و علویان از کوفه به ایران، اوضاع سیاسی کوفه در عصر خلفا، گسترش دامنه جنبش‌های سیاسی شیعیان این شهر به ایران و نقش آنها در گسترش تشیع در مناطق گوناگون کشور و نیز نقش فرهنگی شاگردان کوفی ائمه اطهار علیهم‌السلام در گسترش تشیع به ایران اشاره نمود.

### جغرافیای تاریخی کوفه و علل تأسیس آن

کوفه در هشت کیلومتری شرق نجف و بر ساحل رود فرات قرار دارد. در شرق آن رود فرات، در غرب آن صحرا، در جنوب غربی آن شهر باستانی حیره، و در شمال شرقی آن ذی‌الکفل واقع شده است. به سبب نزدیکی به فرات و نیز جاری بودن یکی از شاخه‌های فرات در شرق آن (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۸۳)، زمین‌های اطراف شهر حاصلخیز بوده و آب و هوای آن از بصره بهتر است. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۹۰)

پس از پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه و تصرف تیسفون، خلیفهٔ دوم به سعد بن ابی وقاص، فرماندهٔ سپاه اسلام در عراق، دستور داد تا در آنجا بماند. مسلمانان پس از چهارده ماه سکونت در مدائن و به رغم امتیازاتی که این شهر دارا بود، نتوانستند با آنجا خو بگیرند. آنها به دلیل داشتن گله‌ها و رمه‌هایی که از جزیرهٔ العرب با خود آورده بودند، باید با جایی سازش پیدا می‌کردند که هم دارای محیطی خشک و صحرایی باشد و هم از موقعیت زراعی مناسبی برخوردار باشد. در واقع، فرماندهان مسلمان در بین‌النهرین به دنبال محل مناسبی بودند که حفاظت از مناطق تازه تصرف شده را امکان‌پذیر کند، بدون آنکه به واسطهٔ موانع طبیعی، مانند رودخانه و دریا از خاک عربستان جدا باشد. سعد بن ابی‌وقاص پس از مکاتبه با خلیفهٔ دوم و به دستور وی، به دنبال جایی بود تا مناسب زندگی اعراب و شترهایشان باشد. (طبری، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸۴۳-۱۸۴۴) سلمان فارسی و حذیفه بن الیمان مأمور این کار شدند. (طبری، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸۴۵) آنها پس از بررسی دو، سه منطقه، منطقهٔ نسبتاً مرتفعی را در کنار ساحل غربی رود فرات و نزدیک شهر باستانی حیره انتخاب کردند. به دنبال آن، سعد بن ابی‌وقاص دستور داد تا همگی به این منطقه کوچ کنند و در آنجا ساکن شوند. نام «کوفه» از تپهٔ کوچکی به نام «کوفان» گرفته شده است که در وسط آن واقع بود. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۹) هدف از ساختن کوفه این بود که در جانب غربی فرات، اردوگاه ثابتی برای لشکریان ایجاد شود. (لسترینج، ۱۳۸۳، ص ۸۱)

شهر کوفه در دورهٔ امویان به عنوان پایگاهی سیاسی - نظامی در بین‌النهرین، و به علت موقعیت جغرافیایی‌اش به عنوان مرکزی برای کنترل و نظارت بر ایران مطرح بود. در واقع، در عهد امویان، حاکم عراقین (بصره و کوفه) حاکم اصلی ایران تا حدود خراسان نیز محسوب می‌شد و این امر موجب افزایش اهمیت سیاسی - نظامی و در نتیجه، رونق اقتصادی کوفه در عهد امویان شده بود. (ایزدی، ۱۳۷۹، ص ۸۲)

### پیشینه تاریخی کوفه

حیره به لحاظ فرهنگی، در مقایسه با دیگر سرزمین‌های عرب‌نشین، موقعیتی ممتاز داشت. این ویژگی فرهنگی به سبب آن بود که حیره در موقعیت جغرافیایی خود (قرار گرفتن در مرز ایران، روم و عربستان)، محل تلاقی و تماس فرهنگ‌های ایرانی و یونانی - رومی و واسطه‌تعامل با شبه‌جزیره بود. حیره پس از آنکه تحت تأثیر فرهنگ‌های مذکور قرار گرفت، این فرهنگ‌ها را به اعراب ساکن در شبه‌جزیره عربستان انتقال، و افق اندیشه آنان را گسترش داد. (صفری، ۱۳۸۱، ص ۲۷) این شهر به دلیل قرار گرفتن در جنوب شرقی امپراتوری روم، تحت تأثیر مسیحیت قرار گرفت و به علت مناقشات مذهبی و به تبع آن، انشعابات که در مسیحیت روم ایجاد شد مسیحیت حیره را نیز پذیرفت. روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای میان حیره و دولت ساسانی نیز وجود داشت و همین روابط همه‌جانبه موجب تأثیرپذیری حیره از فرهنگ ساسانی می‌شد. بین حیره و اعراب نیز روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای وجود داشت. همچنین حیره به طرق گوناگون، به‌ویژه از راه تجارت، با سایر اعرابی که از حیره دور بودند ارتباط برقرار می‌کرد (صفری، ۱۳۸۱، ص ۲۷)

بنابراین، حیره به علت موقعیت جغرافیایی خود، محل برخورد فرهنگ‌های گوناگون بود. ابتدا خود از این فرهنگ‌ها تأثیر می‌پذیرفت و سپس این فرهنگ‌ها را به اعراب ساکن در شبه‌جزیره منتقل می‌کرد. مسیرهای تجاری راه اصلی این انتقال فرهنگی بود، و حیره به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجاری، با مناطق گوناگون ایران، روم و به‌ویژه شبه‌جزیره، روابط تجاری گسترده‌ای داشت. تجار حیره در سراسر عربستان رفت و آمد می‌کردند و این مثل در بین اعراب زبان‌زد بود: «سرزمینی را نمی‌بینی که در آن حیری نباشد.» (علی، ۱۹۷۱، ج ۷، ص ۲۹۶) از جمله راه‌های آشنایی اعراب با فرهنگ سایر ملل، بازارهای فصلی بود که یکی از این بازارها در حیره

بر گزار می‌شد و تجّار عرب از سراسر عربستان به آنجا می‌رفتند. (الافغانی، ۱۹۷۴، ص ۳۷۴ به بعد)

حیره، که در دوره قبل از اسلام تحت حاکمیت ایران بود و به عنوان یک حکومت دست‌نشانده برای جلوگیری از هجوم قبایل بیابان‌گرد به مناطق مرزی ایران ایفای نقش می‌نمود، ساکنانش عمدتاً از دو طریق با فرهنگ ایرانی آشنا می‌شدند: یکی از طریق رفت و آمد به مناطق مرزی ایران و دربار ساسانی، و دیگر از طریق ایرانیانی که در حیره زندگی می‌کردند. (نک. دینوری، ۱۴۱۲، ص ۶۳/ یعقوبی، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۱۶۲) به دلیل همین ارتباطات، اهل حیره بیش از سایر اعراب با فرهنگ ایرانی آشنا بودند و این فرهنگ را به اعراب ساکن در شبه‌جزیره نیز منتقل می‌کردند (صفری، ۱۳۸۱، ص ۱۴) اعراب افکار ثنوی و اعتقاد به یزدان و اهریمن را از ساکنان حیره آموختند. (ابراهیم حسن، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۶۵-۶۶) ادیان زرتشتی و مانویت نیز در میان اعراب پیروانی داشتند. برای مثال، زرتشتی‌گری در قبیله «بنی‌تمیم» شایع بود. (صفری، ۱۳۸۱، ص ۱۰)

با توجه به اینکه شهر کوفه وارث موقعیت جغرافیایی حیره باستان و در نتیجه، دربرگیرنده تمامی کارکردهای آن در زمینه انتقال فرهنگی بود، اثبات نقش حیره در انتقال فرهنگ ساسانیان به داخل شبه جزیره می‌تواند دلیلی محکمی باشد بر نقش و کارکرد طبیعی شهر کوفه در انتقال فرهنگ، دین و مذهب خویش (تشیع) به ایران. این مسئله با توجه به حضور گسترده ایرانیان در کوفه و رفت و آمد طبیعی آنها با داخل کشور، بیشتر قابل درک است.

### ساختار جمعیتی کوفه

جمعیت کوفه را می‌توان به طور کلی، به دو بخش عرب و غیر عرب تقسیم نمود. اعراب ساکن در کوفه اهل قادسیه، (ر.ک. یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۹۰/ طبری، ۱۳۷۲،

ج ۵، ص ۱۸۵۳ / جعفری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸) روادف،<sup>۱</sup> قبایل مسیحی،<sup>۲</sup> بیوتات عرب (ر.ک. جعفری، ۱۳۷۳، ص ۴۸) و برخی دیگر بودند. غیر عرب‌ها ایرانیان، سریانی‌ها،<sup>۳</sup> نبطی‌ها (ر.ک. جنایی، ۱۳۸۶، ص ۴۳) و گروهی از بردگان و غلامان غیر ایرانی بودند که از لحاظ تعداد قابل توجه نبودند. وابستگی جغرافیایی ایران و عراق، کوفه را برای مهاجرت ایرانیانی که وسایل زندگی خود را در اثر جنگ از دست داده بودند، مناسب‌ترین محل می‌ساخت. (الهامی، ۱۳۶۶، ص ۵۶) ایرانیان کوفه را بر اساس روایات تاریخی می‌توان دو دسته موالی و دسته‌های نظامی دانست. موالی بنا بر نوع پیوندشان با جامعه اسلامی، دارای مراتبی این‌گونه بودند:

**اسیران جنگی:** این گروه اسلام آوردند و آزادی خود را بازیافتند، اما همچنان به خانواده‌ای وابسته بودند که قبلاً غلامشان بودند، (اینها موالی واقعی در کوفه بودند).

**روستاییان و کشاورزان:** اینان روستاهایشان در اثر جنگ ویران شده بود و زمین‌های خود را رها کرده و برای یافتن کار دیگر به کوفه آمده بودند.

**پیشه‌وران و صنعتگران:** این گروه نیز مسلمان شده و برای بهبود وضعیت اقتصادی خود به عنوان پیشه‌ور و صنعتگر به کوفه آمده بودند. این افراد بر حسب تعدادشان، احتمالاً بزرگ‌ترین گروه موالی را در کوفه تشکیل می‌دادند. (شاهرخی، ۱۳۸۷، ص ۶۸)

---

۱. «روادف» گروهی از تازه‌واردان عرب به کوفه بودند که پس از تکمیل فتوحات شام و مصر، دیگر هیچ‌گونه فرصتی برای کسب غنایم در مناطق غربی نیافتند و چون احتمال حمله مجدد به امپراتوری ساسانی و زمینه گسترش قلمرو خود در شرق را پیش‌بینی می‌کردند، حضورشان در کوفه فرصت جدیدی برای کسب غنایم جنگی بود. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. جعفری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶-۱۳۷).

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. جعفری، ۱۳۷۳، ص ۴۷.

۳. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. جنایی، ۱۳۸۶، ص ۲۶.



**خاندان‌های شریف:** این گروه از پرداخت جزیه معاف بودند، ولی می‌بایست خراج پردازند.

بر اساس این تقسیم‌بندی، باید تعداد چشم‌گیری از اسیران زن را، که بهره‌فاتحان عرب خود شده بودند، افزود. اینان به همسری مشروع اسیرکنندگان عرب خود درآمده و برایشان فرزندهایی به دنیا آورده بودند. در نتیجه، در مدتی کمتر از بیست سال، یعنی در حدود زمانی که امام علی علیه السلام به کوفه آمدند، نسل جدید جوانی از اعراب در کوفه وجود داشت که از طرف مادر ایرانی بودند. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹-۱۴۰)

دسته‌های نظامی نیز حمراء دیلم،<sup>۱</sup> اسواران<sup>۲</sup> و سیابجه<sup>۳</sup> بودند.

۱. آنها ایرانیانی بودند که پس از شکست در نبرد قادسیه، اسلام آورده، به اعراب پیوستند. آنان همراه با سعد در فتح مدائن و جلولاء شرکت کردند و سپس در کوفه ساکن شدند. به گفته جرجی زیدان، بنی‌امیه مسلمانان غیرعرب را سرخ پوست (احمر) می‌گفتند و در فرهنگ عرب، هر عجمی «احمر» لقب دارد. (زیدان، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۶۸۶) نام فرمانده آنها «دیلم» بود و از این‌رو، آنها را «حمراء دیلم» می‌نامیدند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۳۹۹-۴۰۰) این گروه بسیاری از حرفه‌ها و صنایع کوفه را اداره می‌کردند. (جنابی، ۱۳۸۶، ص ۴۲ به بعد) در بعضی از نوشته‌ها، تعداد این گروه در زمان مختار (سال ۶۶ هجری) قریب ۲۰ هزار نفر ذکر شده است. (دینوری، ۱۴۱۲، ص ۲۸۸)

۲. آنها جزو سپاه یزدگرد بودند که در جریان محاصره شوش، به ابوموسی پیوسته، و با بنی‌تمیم هم‌پیمان شدند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۵۲۰-۵۲۱)

۳. آنها اصالتاً از اهالی سوماترا بودند که به هند و عراق و سواحل خلیج فارس کوچ کرده بودند و پس از اسلام نیز در این ناحیه حضور داشتند. ساسانیان برای دفاع در مقابل دزدان دریایی، از آنان استفاده می‌کردند. بعدها برخی از ایرانیان نیز بدان‌ها پیوستند، به گونه‌ای که دیگر مسئله نژاد آنان مطرح نبود. بنا بر روایت بلاذری، سیابجه تنها در بصره ساکن بودند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۵۲۴) وقتی طلحه و زبیر به قصد جنگ جمل وارد بصره شدند، سیابجه از تسلیم بیت‌المال به آنها تا قبل از آمدن حضرت علی علیه السلام خودداری کردند. افراد طلحه و زبیر به فرمان‌دهی عبدالله بن زبیر به آنها شبیخون زدند و همه آنها را کشتند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۵۲۴) با اینکه سیابجه و زُطها هم‌پیمان

رشد جمعیت موالی در کوفه بیش از عرب‌ها بود، به‌گونه‌ای که پس از چند سال، بین موالی و عرب‌ها نسبت یک به پنج برقرار شد. (زیدان، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۷۰) معاویه از این رشد بسیار بیمناک شد و به زیاد دستور داد آنها را از کوفه منتقل کند. زیاد عده‌ای از آنها را به شام، عده‌ای را به بصره و عده‌ای را به ایران منتقل نمود. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹) به طور کلی، ایرانیان، اعم از اسیران مسلمان شده، مهاجران مسلمان، حمراء دیلم و اساوره، در کوفه اجتماع بزرگی را تشکیل دادند و جمعیت آنها افزایش یافت. از جمله قراینی که بر کثرت آنها در کوفه دلالت دارد این است که گاهی یک مرد عرب از اهل کوفه با ده یا بیست نفر از موالی خود از خانه خارج می‌شد. دلیل دیگر فراوانی و اهمیت وجود آنها در کوفه، مساجدی است که ساخته بودند؛ مانند مسجد الموالی، مسجد الحمراء، و مسجد مروزیه. حتی گفته‌اند: تعداد موالی به نصف ساکنان کوفه رسید. (رجبی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۷)

## تشیع در کوفه

### ابعاد تشیّع

به‌طور کلی، می‌توان شیعیان کوفه را به این گروه‌ها تقسیم نمود:

**شیعیان سیاسی:** معتقد به برتری امام علی علیه السلام بر خلفای پیشین و حقانیت آن حضرت در جنگ با مخالفانش بودند.<sup>۱</sup>

**شیعیان حبی:** اهل بیت علیهم السلام را صرفاً به این دلیل که پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید فراوانی بر دوستی ایشان می‌کرد، دوست داشتند.<sup>۱</sup>

---

بنی‌تمیم (دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام) بودند، اما جزو سربازان امام علی علیه السلام باقی ماندند. (طبری، ۱۸۸۱، ج ۳، ص ۵۱۷)

۱. از جمله این شیعیان، می‌توان اشعث بن قیس، از فرماندهان سپاه امام علی علیه السلام را نام برد.

**شیعیان دینی:** ائمه اطهار علیهم السلام را در امور دینی، اعلم از دیگران می‌دانستند، ولی به لحاظ سیاسی تابع حکومت وقت بودند.<sup>۲</sup>

**شیعیان اعتقادی:** اینان شیعیان واقعی بودند و منظور از «تشیع» در این مقاله نیز تشیع از همین نوع است.<sup>۳</sup>

با بررسی دقیق سیر تحولات کوفه و عملکرد کوفیان در تحركات شیعی، که در این شهر به وقوع پیوست، می‌توان به این نتیجه رسید که تشیع اکثریت کوفیان از جنس سیاسی، سپس حبّی و دینی بود و تعداد شیعیان اعتقادی به مراتب کمتر از تعداد کل شیعیان بود. در ادامه، بیشتر به این مقوله خواهیم پرداخت.

### خاندان‌های شیعی

به استناد منابع تاریخی، خاندان‌های علمی شیعه در کوفه، که از ائمه معصوم علیهم السلام روایت کرده‌اند، عبارت بودند از: آل‌اعین،<sup>۴</sup> خاندان اشعری،<sup>۵</sup> آل‌ابی‌رافع،<sup>۶</sup> آل

---

۱. از این میان می‌توان به ابن عبد ربّه اندلسی صاحب کتاب «عقدالفرید» و محمد بن ادریس شافعی اشاره نمود. شافعی در شعری می‌گوید:

ان کان حبّ الولی رفضاً فانّی أرفض العباد

اگر حبّ ولی علیه السلام سبب رفض است، پس من رافضی‌ترین بندگان هستم. (بوصیری، ۱۳۶۱، ص ۳۰)  
۲. شاید بتوان شهرستانی، صاحب **ملل و نحل**، را در این دسته قرار داد.

۳. کسانی همچون عمّار یاسر، سلمان فارسی و مالک اشتر از این دسته از شیعیان بودند.

۴. نک. الزراری، بی‌تا، ص ۱۱۴ / مامقانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۲۸ / اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۹ / ابن‌شاذان، ۱۳۵۱، ص ۳۶۷ / ابن حجر، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۴۳ / مزّی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۸۸ / خوئی،

۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۳۰ و ۴۰۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۸۸ / راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۳۹.

۵. نک. ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۴۶ / قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۸۰-۲۸۱ / بلاذری، ۱۹۳۲، ج ۸، ص ۳۰۴-۳۰۶.

۶. نک. براقی، ۱۳۸۸، ص ۵۰۲ / دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۸.

ابی صفیه، (نک. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۱) آل ابی‌شعبه، (نک. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۱) خاندان حیّان تغلیبی، خاندان درّاج، خاندان حرّ جعفی، خاندان عبدربه، خاندان عطیّه، خاندان بنی رباط، خاندان فرقد، خاندان عمّار بجلی، (نک. براقی، ۱۳۸۸، ص ۵۰۲) خاندان ابی‌ساره، آل ابی‌الجعد، آل ابی‌سبره و دیگران.<sup>۱</sup>

#### ارتباط علمای کوفه با ائمه اطهار علیهم‌السلام

با آنکه پس از شهادت امام علی علیه‌السلام هیچ‌یک از ائمه معصوم علیهم‌السلام در کوفه ساکن نشدند، اما شیعیان این دیار همواره با ایشان در ارتباط بودند و از آن بزرگواران حدیث نقل می‌کردند و مسائل فقهی روز را از ایشان می‌پرسیدند. شدت علاقه مردم کوفه به امامان علیهم‌السلام به اندازه‌ای بود که امام باقر علیه‌السلام را «پیامبر کوفه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۲۵۵) می‌نامیدند. بیشتر اصحاب آن حضرت از مردم کوفه بودند، یا اینکه اصالت کوفی داشتند. (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲-۱۴۴) در دوره امام صادق علیه‌السلام نیز بسیاری از راویان کوفی از آن حضرت روایت کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۴۷۷)

فضل بن شاذان می‌گوید: یاران علی بن حسین علیهم‌السلام، که به امامتش اعتقاد داشتند، بیش از پنج تن نبودند: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر، یحیی بن امّ طویل و ابو خالد کابلی. (کشی، بی‌تا، ص ۱۱۵) در این میان، یحیی بن امّ طویل (خوئی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۴) و سعید بن جبیر کوفی بودند. (رک. صدر حاج سید جوادی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۴/ محلاتی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۱۱/ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۳/ سپهری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۶)

۱. برای اطلاعات بیشتر، رک. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۲-۵۵۰.

در کتب رجال، نام‌های نزدیک به ۴۵۰ تن از اصحاب امام باقر علیه السلام ذکر شده که بیش از ۵۰ نفر آنها دارای پسوند «کوفی» است. (ترابی، ۱۳۷۳، ص ۶۳-۷۳) برخی از شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام از ایرانیان ساکن کوفه بودند. برخی از این افراد عبارت بودند از: ابواسماعیل حماد بن ابی‌سلیمان (نک. طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶/ابن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۲۷۵) و محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار (نک. طوسی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱ و ۳۱۱) که در کتاب سیره خود، روایات «و انذر عشیرتک»، «حدیث غدیر» (امینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۵) و حدیث «الجنان و النوق»<sup>۱</sup> را از امام باقر علیه السلام و احادیث دیگری نیز در اثبات خلافت علی علیه السلام نقل نموده است. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۴)

تعداد راویان امام موسی کاظم علیه السلام را قریب چهار هزار نفر نوشته‌اند که بسیاری از آنها نقش مهمی در تألیف و تصنیف و نشر فرهنگ اسلامی بر عهده داشتند. (شریف قرشی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸) از جمله اصحاب کوفی آن بزرگوار، می‌توان از کسانی همچون احمد بن محمد کوفی، اسحاق بن عمّار کوفی (شریف قرشی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۵ و ۲۵۷)، حسن بن محبوب (نک. طوسی، ۱۳۴۸، ص ۴۰۸، ۵۵۶، ۵۸۴ و ۵۸۵/ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۰۹-۳۱۰) و صفوان بن یحیی نام برد. (نک. طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۵۶/نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۹)

از راویان کوفی امام رضا علیه السلام نیز جعفر بن بشیر، (نک. مامقانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۱۳/نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۸۶/اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۰) عبدالرحمان بن ابی‌نجوان، (نک. نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳/اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۴۴) احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنتی، (نک. براقی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹/ابن ندیم، بی‌تا، ص ۵۴/طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۸۳/صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۶/نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۵۴) و محمد بن خالد برقی (نک. طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴، ۳۶۰ و ۳۸۶/احمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶) بودند.

۱. این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسشی از آیه شریفه «یوم نحشر المتقین» (مریم: ۸۵) خطاب به حضرت علی علیه السلام است.

مروک بن عبید بن سالم بن ابی حفصه (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۶)، موسی بن عمر بن بزیع (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۵)، احمد بن عبدالله کوفی (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۹) و ابوسکینه کوفی (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹) نیز از راویان کوفی امام جواد علیه السلام بودند. محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب (نک. طوسی، ۱۳۸۰، ص ۵۴ / طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳-۴۳۵ / نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۶) از اصحاب و راویان امام جواد علیه السلام و مورد اعتماد شیعیان بود که در کوفه می‌زیست. (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۵۴) روایت‌های فراوانی از وی به جا مانده و بیش از شش کتاب نوشته است. او پس از امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام را نیز درک کرد (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳-۴۳۵) و در سال ۲۶۲ ق وفات یافت. (نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۶).

در انتها، لازم به ذکر است به سبب آنکه شهر کوفه در دوره اموی و عباسی مرکز سیاسی - اداری سرزمین‌های شرقی خلافت بود، برخی حکام و مأموران اداری آن مناطق از شیعیان کوفه و از پرورش یافتگان مکتب ائمه اطهار علیهم السلام بودند که به خاطر رعایت اصل «تقیّه» مورد اعتماد خلفا قرار گرفته، به حکومت نواحی گوناگون ایران گماشته می‌شدند. این افراد بنا بر توصیه ائمه اطهار علیهم السلام، فعالیت‌های مخفیانه داشتند. از جمله این افراد می‌توان از ابوبجیر اسدی،<sup>۱</sup> علی بن یقطین<sup>۲</sup> و جعفر بن محمد بن اشعث<sup>۳</sup> نام برد.

۱. وی از سوی منصور عباسی حاکم اهواز بود. حکایتی که در الکافی درباره حضور نجاشی در اهواز به عنوان حاکم و درخواست یکی از شیعیان از امام صادق علیه السلام برای وساطت نزد وی آمده، باید مربوط به همین نجاشی باشد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱)

۲. اعتبار علی بن یقطین در زمان هادی عباسی چنان بود که وی انگشتر و مهر خلافت را به دست او سپرده بود. (طبری، ۱۹۸۷، ج ۱۲، ص ۵۱۷)

۳. او در زمان هارون، مدتی هم والی خراسان بود. (شریف قرشی، ۱۳۶۹، ص ۵۱۸)

### حمایت کوفیان از حضرت علی علیه السلام

امام علی علیه السلام، که عملاً در مدینه طرفداری نداشت، مورد توجه ناراضیان ولایات گوناگون، به ویژه کوفه، قرار گرفت. (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵) در اوایل کار عثمان، جندب بن عبدالله ازدی، حضرت علی علیه السلام را در مدینه ملاقات کرد و شروع به نشر فضایل او در کوفه نمود که توسط ولید دستگیر و زندانی شد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۴، ج ۹، ص ۵۶-۵۸) عمرو بن حمق خزاعی نیز از قاریان کوفه بود که به سبب اعتراض به حکومت سعید بن عاص در کوفه، به دمشق تبعید شد (بلاذری، ۱۹۳۶، ج ۵، ص ۵۹) و پس از قتل عثمان، از نزدیکان حضرت علی علیه السلام در کوفه گردید.

با انتشار خبر برگزیده شدن حضرت علی علیه السلام به خلافت توسط مهاجران و انصار، بیعت با آن حضرت در کوفه و دیگر شهرها نیز آغاز شد، ولی مردم کوفه پیش از دیگران از بیعت با آن حضرت استقبال نمودند. (مسعودی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۷۰) امام علی علیه السلام پیش از جنگ جمل، با فرستادن امام حسن علیه السلام و عمّار یاسر به سوی کوفیان، آنان را به یاری طلبیدند که قریب نه هزار تن در ذی قار به آن حضرت پیوستند. (دینوری، ۱۳۴۶، ص ۱۵۹) علاوه بر این، طوایفی موسوم به «زط» و «سیابجه»، که از جمله ساکنان قدیمی کوفه بودند، در جریان جنگ جمل (در اطراف بصره)، با سپاهیان اصحاب جمل مقابله نمودند. (محمّدی ملایری، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱ و ۲۱۲ به نقل از: تاریخ طبری) آنها در کوفه به سپاه امام علی علیه السلام پیوستند و در رکاب آن حضرت جنگیدند. امام علی علیه السلام، که شاهد فداکاری خالصانه ایرانیان حاضر در سپاه خود بودند، با ارسال نامه‌هایی به عاملان خود در همدان و آذربایجان، نیروهای ایرانی را برای مقابله با معاویه در جنگ صفین، به یاری طلبیدند. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ص ۴۵۴-۴۵۶)

## عوامل نفوذ تشیع در بین ایرانیان کوفه

عوامل متعددی در گرایش ایرانیان ساکن کوفه به تشیع وجود دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

### اوضاع سیاسی کوفه در عصر خلفا

با پیروزی اعراب در جنگ علیه ایرانیان، یکی از مسائل پیش آمده مسئله اسرا و نحوه رفتار با آنان بود. عده‌ای از این اسرا اسلام آوردند و در کوفه ساکن شدند و بقیه از کوفه به مدینه منتقل گردیدند تا خلیفه درباره‌شان حکم دهد. رسم بر این بود که اول آنها را به دین اسلام دعوت می‌نمودند و سپس به عنوان برده میان صحابه تقسیم می‌کردند. به علت ازدیاد اسرا، مجلسی تشکیل داده شد که حضرت علی علیه السلام، عمر و جمعی از بزرگان و صحابه در آن حضور داشتند. مذاکره بر سر این بود که در باب اسرای ایران چه باید کرد؟ هر یک از اعضای مجلس رأی خود را اظهار داشت. حضرت علی علیه السلام فرمودند: من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «العجم الأحرار»؛ ایرانیان آزادمردند، و سپس سهم خود از اسرا را آزاد نمودند. عده‌ای دیگر نیز به متابعت از آن حضرت، سهم خود را آزاد کردند که منجر به آزاد شدن بیشتر یا تمامی اسرا شد و بیشتر آنها مسلمان شدند. همچنین در این مجلس بود که امام علی علیه السلام مانع قتل هرمان توسط عمر شد.<sup>۱</sup> نقل است که عمر بن خطاب می‌گفت:

---

۱. علل گوناگونی برای تصمیم عمر بر قتل هرمان در منابع ذکر شده است. برای مثال، بلاذری در *فتوح البلدان* و طبری در *تاریخ طبری*، کشته شدن برخی مسلمانان (براء و مجزة بن ثور) به دست وی را علت این امر ذکر نموده‌اند. (نک. طبری، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۹۰۲ / ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۴) بنا بر روایتی که در *تاریخ قم* درباره این ماجرا آمده، شاید علت این امر اسلام نیاوردن هرمان باشد که عمر به همین دلیل، تصمیم به قتل وی گرفت. در این هنگام بود که هرمان درخواست آب کرد و از عمر امان گرفت که تا آب را نخورده است او را نکشد و سپس آب را به



خداوندا، من از فرزندان دختران اسیر جلولا به تو پناه می‌برم. فرزندان همین اسرا بودند که در جنگ صفین در رکاب حضرت علی علیه السلام شرکت کردند. (دینوری، ۱۳۴۶، ص ۱۴۱) والیان عمر در کوفه عبارت بودند از: عبدالله بن عبدالله بن عتبان، زیاد بن حنظله، عمّار یاسر و مغیره بن شعبه. در این میان، امارت عمّار یاسر در کوفه (طبری، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۹۶۱) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عمّار یاسر از پیروان حقیقی امام علی علیه السلام بود که بدون شک، تعالیم وی نقش اساسی در آشنا ساختن کوفیان و به‌ویژه ایرانیان ساکن کوفه با اوضاع مدینه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فضایل امام علی علیه السلام و فرمایش‌های آن حضرت در غدیر خم داشت.

عمر در دوران خلافت خویش، سیاست تندی در برخورد با غیرمسلمانان و حتی مسلمانان غیرعرب در پیش گرفت. این عرب‌گرایی در خلافت وی با اقداماتی از قبیل تشکیل دیوان سپاه و تقسیم اموال بر اساس اصل سابقه در اسلام نمود پیدا کرد. در کوفه نیز ایرانیان، که بیشترین جمعیت آنجا را تشکیل می‌دادند، بهره‌ای از غنائم نداشتند و حقوقشان نسبت به اعراب کمتر بود. عمر همچنین علاقه داشت مسلمانان غیرعرب را از عربستان و به‌ویژه مدینه دور نگه دارد و به همین دلیل، آوردن اسرا به پایتخت، محدودیت‌هایی داشت، (مسعودی، ۱۳۴۷، ص ۶۷۷) به‌گونه‌ای که مغیره بن شعبه برای نگه داشتن غلام ایرانی خود (ابولؤلؤ) در مدینه، مجبور شد مجوز مخصوص بگیرد. (صنعانی، ۱۹۸۳، ج ۵، ص ۴۹۴) عرب‌گرایی عمر بدون تردید، عامل اساسی در گرایش ایرانیان کوفه به عدالت و برابری بود که به تمام معنا، در حکومت و سیره حضرت علی علیه السلام متبلور بود، و مصادیق آن در منابع تاریخی مکرر ذکر شده است.

---

زمین ریخت. عمر با وجود امان دادن، تصمیم به قتل وی گرفت که با مخالفت امام علی علیه السلام مواجه شد. (نک. قمی، ۱۳۶۱، ص ۳۰۳ / طبری، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۹۰۱).

زمانی که عمر مجروح شد، عبیدالله بن عمر هرمزان را نیز به جرم همدستی با ابولؤلؤ به قتل رساند (طبری، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۰۸۸) که این امر با واکنش شدید امام علی علیه السلام مواجه شد. (بلاذری، ۱۹۳۶، ج ۵، ص ۲۴) عثمان با این توجیه که هرمزان وارثی ندارد و وارثش تمام مسلمانان هستند، عبیدالله را بخشید و آزاد کرد، در حالی که امام علی علیه السلام قصاص عبیدالله را به اصرار طلب می‌نمودند. عثمان به دلیل این مخالفت‌ها، عبیدالله را به کوفه فرستاد و در آنجا خانه‌ای به او داد. زمانی که امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود به کوفه رفتند، در صدد قصاص او برآمدند که عبیدالله از کوفه گریخت و به شام نزد معاویه پناه برد و در جنگ صفین کشته شد. (دینوری، ۱۳۴۶، ص ۱۹۸) این ماجرا را می‌توان از عوامل خشم ایرانیان ساکن کوفه نسبت به عثمان و گرایش آنان به امام علی علیه السلام قلمداد نمود.

والیان عثمان در کوفه به ترتیب عبارت بودند از: سعد بن ابی‌وقاص، (طبری، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۰۸۹) ولید بن عقبه، (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۹۱) سعید بن عاص، (همان، ص ۶۹۳) و ابوموسی اشعری. (همان، ص ۶۱۵) ولید کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرمودند: او اهل جهنم است. (همان، ص ۶۹۱) پدرش نیز از دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در جنگ بدر اسیر شد و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله توسط علی علیه السلام گردن زده شد. وی شبی در کوفه تا صبح به عیش و نوش پرداخت و نماز دو رکعتی را چهار رکعت خواند و در محراب مسجد قی نمود (طبری، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۱۲۵) که با وجود شهادت عده‌ای از جمله ابن مسعود، عثمان حاضر به حد زدن او نشد. امام علی علیه السلام وقتی چنین دیدند شخصاً ولید را حد زدند. (مسعودی، ۱۳۴۷، ص ۶۹۳)

سعید بن عاص نیز در کوفه، «سواد» را بوستان قریش می‌خواند (مسعودی، ۱۳۴۷، ص ۶۹۳) که این امر منجر به شورش گروهی از قاریان به رهبری مالک اشتر شد که عثمان آنها را به شام تبعید نمود. از دیگر حوادث زمان ولایت سعید بن عاص در

کوفه، اهانت او به هاشم بن عتبة بن ابی وقاص (از طرفداران سرسخت امام علی علیه السلام در کوفه) بود که خشم شورشیان را برانگیخت. (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵) عثمان همچنین شروع به دادن اقطاعی از زمین‌های فتح شده به صحابهٔ برجستهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله مانند سعد بن ابی وقاص، اسامة بن زید، طلحه، زبیر، عبدالله بن مسعود و برخی دیگر نمود که نارضایتی هر چه بیشتر مردم را در پی داشت. او در توجیه سیاست خود، به مردم اجازه داد که املاک خود در حجاز را با زمین‌های عراق مبادله کنند. (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳)

در زمان عثمان، اعراب موالی را شهروندان درجه دوم می‌دانستند و نه تنها علیه آنان این طرز تفکر را، که فاتح آنها هستند، ترویج می‌کردند، بلکه از موضع برتری نژادی با آنان رفتار می‌نمودند. این امر منجر به ایجاد نارضایتی در میان موالی کوفه شده بود. (الهامی، ۱۳۶۶، ص ۵۹-۶۰) نه تنها سیاست تبعیض عثمان شامل غیرعرب می‌شد، بلکه برتری دادن امویان بر سایر اعراب، بخصوص اعراب یمانی را نیز دربر داشت. این مسئله موجب شکل‌گیری جبهه‌ای قدرتمند از ایرانیان و یمانیان این شهر علیه وی شد. حضور فعال مالک اشتر در جبههٔ مخالفان عثمان بیانگر این واقعیت است. (قربانپور دشتکی، ۱۳۸۴، ص ۳۴)

همان‌گونه که گفته شد، عمر اصل سابقه در اسلام را ملاک برتری و تقسیم اموال قرار داد و در این میان، افراد تازه مسلمان، به‌ویژه مسلمانان غیرعرب، کمترین سهم را از بیت‌المال داشتند و در جنگ‌ها غنیمتی به آنان تعلق نمی‌گرفت. این اقدام عمر با نص صریح قرآن، که تنها عامل برتری را «تقوای الهی» می‌داند، ناسازگار بود. شهر کوفه به این دلیل که درصد زیادی از جمعیت آن را موالی تشکیل می‌داد، شاهد بیشترین اعتراضات به وضع موجود بود. این در حالی بود که امام علی علیه السلام اساس کار خویش را بر مساوات قرار داده بودند و کوچک‌ترین تفاوتی بین عرب و عجم، ارباب و بنده، و سیاه و سفید قایل نمی‌شدند. وقتی اعراب در خصوص تساوی حقوقشان با

عجم‌ها به آن حضرت اعتراض کردند، ایشان چوب کوچکی را از زمین برداشتند و فرمودند: من سراسر قرآن را خوانده‌ام، اما در آن، این‌قدر برتری برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق نیافته‌ام. (یعقوبی، ۱۹۶۰، ج ۲، ص ۱۸۳) آن حضرت، که پیوسته عدالت و انسان‌دوستی را وجههٔ همّت خود قرار می‌دادند، بر این باور بودند که تعلق به نژاد عرب نمی‌تواند به عنوان یک امتیاز برای آنان به شمار آید. به همین دلیل، با صراحت در برابر این فشارها ایستادگی کردند و هرگز به درخواست‌های غیر منصفانهٔ آنان وقعی نمی‌نهادند. (حیدرنیا، ۱۳۷۹، ص ۷۸)

در زمانی که امام علی علیه السلام در کوفه بودند، به رسم سابق، شماری از ایرانیان نزد آن حضرت آمدند تا هدایایی تقدیم کنند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۱۹۸-۱۹۹). پیش‌تر کارگزاران عثمان مانند ولید بن عقبه و سعید بن عاص علاوه بر خراجی که از ایرانیان مسلمان می‌گرفتند، آنان را مجبور به اعطای هدایای نوروز و مهرگان نیز می‌کردند و از این راه، میلیون‌ها دینار به چنگ آوردند. از این‌رو، هدایای نوروزی به صورت سنتی رایج درآمده بود. وقتی ایرانیان هدایای خود را نزد حضرت علی علیه السلام آوردند، ایشان آن هدایا را پذیرفتند، اما دستور دادند به اندازهٔ قیمتشان از میزان خراج آنها کم شود. همچنین هنگامی که آن حضرت در راه رفتن به صفین از شهر انبار می‌گذشتند، دهقانان آن شهر به دنبال ایشان حرکت کردند و آن حضرت را مانند پادشاهان مشایعت نمودند؛ اما امام علی علیه السلام آنان را از این کار منع فرمودند. (منقری، ۱۳۶۶، ص ۱۹۸-۱۹۹)

#### انتخاب کوفه به مرکزیت خلافت اسلامی

بر خلاف نظر عده‌ای که معتقدند هدف امام علی علیه السلام از رفتن به کوفه صرفاً مواجهه با شورشیان و نزدیکی به شام برای رویارویی با معاویه بود و آن حضرت در صدد نبودند که آنجا را مقرّ دائمی حکومت خویش قرار دهند، دلایلی وجود دارد که عکس

این ادعا را اثبات می‌کند. از جمله این دلایل می‌توان به موقعیت برتر جغرافیایی، (ر.ک. رجبی، ۱۳۷۱، ص ۶). شرایط خوب اقتصادی، و نیروی فراوان انسانی (جعفریان، ۱۳۷۷، ص ۲۷۵) و نظامی فعال در کوفه اشاره نمود، این در حالی است که مدنیان روحیه جنگی و معنوی خود را از دست داده بودند. (رجبی، ۱۳۷۱، ص ۷) حضور مخالفان امام در مدینه و در مقابل، مهاجرت صحابه و دوست‌داران آن حضرت به کوفه (مسعودی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۶۷) از دیگر عوامل این انتخاب بود. همچنین بیشتر مردم کوفه از دوست‌داران و طرف‌داران امام علی علیه السلام بودند؛ چنان‌که امام خود می‌فرماید: کوفه شهر ما، جایگاه ما و اقامتگاه شیعیان ماست. (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۴، ج ۳، ص ۱۹۸) علاوه بر اینها، حضور گسترده یمنیان در کوفه، که بیشترشان از طرف‌داران امام علی علیه السلام بودند، مزید بر علت بود. (رجبی، ۱۳۷۱، ص ۹) انتقال مرکز خلافت و نزدیکی به ایران سبب شد ایران تحت نظارت مستقیم امام علی علیه السلام قرار گیرد و ایرانیان از نزدیک با سیره آن حضرت آشنا شوند و اسلام ناب محمدی را با تمام وجود احساس کنند.

### جریان‌های شیعی در کوفه

بین سال‌های ۳۴ تا ۴۰ هجری در عربستان، دوران بحران‌ها بود. این بحران‌ها با شورش علیه عثمان آغاز شد، با پیکارهای میان حضرت علی علیه السلام و معاویه ادامه یافت و با قتل امام علی علیه السلام پایان گرفت. از زمان شهادت امام علی علیه السلام سه جناح سیاسی عمده در کوفه به وجود آمدند: خوارج، شیعه، رهبران قبیله‌ای. (هیندز، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰) نظام حکومتی عراق در زمان امویان، بر بنیاد سازمان قبیله‌ای استوار بود که در آن پشتیبانی رهبران قبیله از حکومت و حمایت متقابل حکومت از آنها مورد نظر بود. این ساختار بر بنیاد نظام قبیله‌ای پیش از اسلام استوار بود (ابن منظور، ۱۲۸۵، ج ۳، ص ۷۴) و تمایزش با نظام پیش از اسلام تنها در وجود قدرت مرکزی و تنظیمات و

سازمان‌دهی نظامی شهر دیده می‌شد. اشراف قبایل در عراق مستقر بودند و حکومت مرکزی از طریق آنها بر دیگر ساکنان عراق فرمان می‌راند. (هیندز، ۱۳۸۱، صص ۱۲۱ و ۱۲۳)

همان‌گونه که گفته شد، عثمان با خویشاوندگرایی خود، گماشتن افراد نالایق به حکومت کوفه،<sup>۱</sup> و تعطیل کردن حدود الهی،<sup>۲</sup> خشم عمومی مسلمانان واقعی کوفه و پیروان راستین امام علی علیه السلام را، که آن حضرت را جانشین بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانستند، برانگیخت. با احتساب تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم کوفه در آن زمان به عنوان طرفداران امام علی علیه السلام و با وجود فعالیت‌های عمّار یاسر، سلمان فارسی و مالک اشتر، این اولین جنبش سیاسی شیعیان بود که به صورت سازمان یافته و خودجوش ایجاد شده بود و به خلافت آن حضرت منجر گردید.

پس از شهادت امام علی علیه السلام، یک سلسله عوامل در حرکت‌های شیعی نقش اساسی داشت که از آن جمله می‌توان به سبّ حضرت علی علیه السلام بر منابر توسط عمّال حکومت اموی اشاره نمود. قیام حجر بن عدی در کوفه نمونه بارز این حرکت‌ها بود. حجر و یارانش به مسجد می‌رفتند و آشکارا معاویه و حاکم او را در کوفه تقبیح می‌کردند. (ابن اثیر، ۱۲۹۰، ج ۳، ص ۲۳۴) تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت موروثی، ترک حدود الهی، به فراموشی سپردن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، رواج گستردهٔ لهو و لهب، غنا، رقاصگی و تظاهر خلیفهٔ مسلمانان (یزید) به فسق را می‌توان از عوامل اساسی نهضت عاشورا برشمرد. قیام امام حسین علیه السلام سرآغاز جنبش‌های شیعی علیه استبداد اموی بود که سرانجام، به سقوط آن خاندان منجر شد. قیام توّابین، قیام مختار و قیام زید بن علی علیه السلام در کوفه، همگی الهام گرفته از نهضت عاشورا بود که نقش ایرانیان کوفه در

۱. ولید بن عقبه ملعون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سعید بن عاص که سواد را بوستان قریش می‌نامید.

۲. خودداری از حد زدن ولید بن عقبه شراب‌خوار و عدم قصاص عبیدالله بن عمر قاتل هرمزان.

این جریان‌ها حایز اهمیت است. حضور گسترده شیعیان، اعم از عرب و عجم، در حرکت‌های سیاسی ضد اموی کوفه، موجب تبعید گسترده آنان به ایران شد که از آن جمله می‌توان به کوچاندن اشعریان به قم (در زمان حجاج) به دلیل پیوستن به قیام ضد اموی عبدالرحمان بن اشعث اشاره نمود. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۴) علاوه بر این، جمعیت زیاد ایرانیان ساکن کوفه نیز باعث نگرانی معاویه شده بود، به گونه‌ای که به دستور وی، زیاد بن ابیه تعداد زیادی از آنها را به شام، بصره و خراسان کوچاند. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹) این مسئله را می‌توان از عوامل اساسی در گسترش تشیع در این منطقه برشمرد.

عرب‌گرایی که از زمان عمر بن خطاب شروع شد. قرار دادن موالی در ردیف شهروندان درجه دوم، بی‌نصیبی آنان از غنائم جنگی، و نابرابری در تقسیم بیت‌المال، که در زمان خلفای بعد، به‌ویژه در دوره اموی با شدت بیشتری پی گرفته شد، گروه عظیمی از موالی کوفه را دست‌کم به لحاظ فکری، با این جریان‌ها همراه نمود. در زمان حکومت بنی‌امیه، هیچ‌گاه موالی را با کنیه، که نشانه احترام بود، صدا نمی‌زدند. آنان اجازه نماز خواندن بر مردگان نداشتند. به آنها اجازه سوار شدن بر اسب نمی‌دادند و در جنگ‌ها، از آنان به عنوان پیاده نظام استفاده می‌کردند. (زیبیدی، ۱۹۷۰، ص ۷۷) اینان در طول دوران سراسر محنت زندگی خود در کوفه، طعم عدالت علوی را از یاد نبردند و از زمان شهادت آن حضرت به بعد، رد پای آنان را در بیشتر شورش‌های ضد اموی و عبّاسی مشاهده می‌کنیم. شدت خشم ایرانیان از این تبعیض‌ها موجب پیوستن آنان به هر جنبشی (از جمله خوارج) می‌شد که شعار برابری و عدالت را - هرچند به دروغ - سر می‌دادند. اوج این خشم و نارضایتی را می‌توان در پیوستن قریب بیست هزار ایرانی به قیام مختار مشاهده نمود که شعار اصلی‌شان انتقام خون حسین بن علی علیه السلام و رویکرد آن برابری عرب با عجم بود. قیام ایرانیان سپاه مختار در سال ۶۶ هجری را می‌توان نخستین قیام شیعیان ایرانی پس

از پیدایش اسلام دانست که پایه‌ای برای نفوذ تشیع زیدی در طبرستان و روی آوردن علویان به آن دیار شد. (عمادی، ۱۳۶۰، ص ۲۷۲)

نقش بارز ایرانیان در جریان‌های شیعی جهان اسلام را می‌توان در ماجرای دعوت عبّاسیان به خلافت «الرضا من آل محمد علیه السلام» به خوبی مشاهده نمود. به طور حتم، این شعار یک سوء استفاده سیاسی از محبوبیت اهل بیت واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که با زیرکی تمام، از آن در جهت غصب خلافت و موروثی کردن آن در خاندان عبّاسی استفاده شد. عبّاسیان پس از تثبیت اساس حکومت خویش، مسیر خود را از دوستان دیروز خود (آل علی علیه السلام) جدا ساختند و همان سیاست امویان را در قبال ایشان در پیش گرفتند. دشمنی با آل علی علیه السلام و حذف ایرانیان از صحنه قدرت، موج تازه‌ای از جنبش‌های شیعی به دنبال داشت. از این پس ائمه شیعه علیهم السلام دایم تحت کنترل عبّاسیان بودند و بیشتر آن بزرگواران سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان‌های آل عبّاس گذراندند. این خفقان‌ها و سرکوب شدید علویان زمانی که به ناامیدی کامل شیعیان از کسب قدرت منجر شد، موجب ظهور اندیشه «مهدویت» گردید که ریشه در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام داشت. این جریان به دلیل سازش با اندیشه ظهور «سوشیانت» در آیین باستانی ایران، از سوی ایرانیان به راحتی پذیرفته شد.<sup>۱</sup>

۱. بنا بر روایات زرتشتی، در آخرالزمان از زرتشت سه پسر متولد می‌شود که با نام عمومی «سوشیانس» خوانده می‌شوند. اما این نام به طور خاص، برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافته است. کلمه «سوشیانس»، که از ریشه «سو» به معنای سودمند است، در اوستا به صورت سوشیانت (Saoshyant) آمده است. در فروردین یشت، بند ۱۲۹، درباره معنای «سوشیانت» چنین آمده است: «او را از این جهت سوشیانت خوانند؛ برای آن که او به کلیه جهان مادی سود خواهد بخشید.» (یشت‌ها، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۱۰۱) در فرهنگ شیعی نیز عنوان «مهدی» در آغاز، به دو معنای عام و خاص به کار می‌رفت، این واژه در معنای عام، به تمامی کسانی اطلاق می‌شد که در مقابل حکومت‌های ظالم قیام می‌کردند، و در معنای خاص، به همان منجی آخرالزمان اطلاق می‌شد که



## عوامل نفوذ تشیع از کوفه به ایران

### مهاجرت خاندان اشعری به قم

جدّ اشعریان قم، سائب بن مالک بن عامر اشعری، از شیعیان برجسته کوفه، پدرش صحابی رسول خدا ﷺ بود و خودش در صفین در کنار امام علی (ع) جنگید و در قیام مختار نیز از وی حمایت نمود. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵) دقیقاً روشن نیست که چگونه اشعری‌های قم به صورت یکپارچه تشیع امامی را پذیرفتند، اما تردیدی نیست که این تشیع از کوفه به قم منتقل شده است. (همان، ص ۱۵۶) روایات متعددی درباره علت مهاجرت اشعریان به قم وجود دارد که از آن جمله می‌توان به کشته شدن محمد بن سائب بن مالک اشعری به دست حجّاج، و نیز شرکت اشعریان در قیام ضد اموی عبدالرحمان بن محمد بن اشعث اشاره نمود. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۴) اشعریان در سال ۹۴ هجری به قم وارد شدند و در روستای «آبرشتجان»<sup>۱</sup> ساکن شدند. آنها تمامی دستاوردهای علمی، فقهی و حدیثی کوفه را با خود به قم منتقل نمودند. احوص و عبدالله، پسران سعد بن مالک اشعری، نخستین کسانی بودند که از کوفه به قم مهاجرت کردند. (همان، ص ۲۴۵) آنها بعد از مدتی به دلیل رشد سریع نفرات و توان سیاسی‌شان، بر شهر چیره شدند و اداره آنجا را در دست گرفتند (همان، ص ۲۵۳-۲۵۷)

---

روزی ظهور کرده، جهان را پر از عدل و داد می‌کند. (نک. کرون، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰-۱۵۰) البته باید متذکر شد که کاربرد لفظ «مهدی» در دو معنای عام و خاص در دوران اولیه تشیع، شاید به دلیل اختلاط فکری انواع تشیع بوده باشد، و در تفکر شیعیان اعتقادی اثناعشری در آن زمان، به واسطه حضور ائمه اطهار (ع) در جامعه و تعالیم ایشان، لفظ «مهدی» تنها به همان معنای خاص استعمال شده باشد.

۱. «ابراشتجان» احتمالاً نام قدیم شهر آشتیان است که امروزه از توابع استان مرکزی بوده و چیزی کمتر از ۱۰۰ کیلومتر با شهر قم فاصله دارد.

و به توسعه و آبادانی شهر پرداختند و قم را به شهری اسلامی تبدیل کردند. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹)

در بحث علت انتخاب قم برای سکونت اشعریان، می‌توان به حضور پراکنده برخی اعراب در محلات و روستاهای قم اشاره نمود. خطاب اسدی سال‌ها پیش از اشعریان در محله «جمکران» ساکن شده و مسجدی بنا نهاده بود. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۳۸) سعید بن جبیر، از موالی بنی‌اسد، پیش از شهادتش مدتی به طور پنهانی در جمکران می‌زیست (قمی، ۱۳۶۱، ص ۳۹) و در سال‌های ۶۶ و ۶۷ هجری، جمعی از بنی‌اسد در این محله ساکن شدند. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۳۸) گروهی از آل مدحج (از قبایل یمنی / بنی‌قحطان) نیز ظاهراً پیش از اشعریان، در قم ساکن شده بودند. (یعقوبی، ۱۳۵۶، ص ۲۷۳) همچنین گروهی از قبیله قیس و گروهی از عنزه، که جزو فراریان سپاه عبدالرحمان بن محمد بن اشعث بودند، احتمالاً پیش از اشعریان در حوالی قم و در روستاهای انار، جاپلق و بَرَق‌رود، ماندگار شده بودند. (یعقوبی، ۱۳۵۶، ص ۲۶۴)

اشعریان مدت کوتاهی پس از مهاجرت به قم و در حالی که امامان شیعه تحت نظارت شدید خلفا بودند و شیعیان از سوی خلفای عباسی به شدت تعقیب می‌شدند و در همه جا ناچار به تقیه بودند، به تبلیغ و تظاهر به تشیع پرداختند. در چنین فضایی بود که اشعریان با ایجاد حوزه‌های درسی و علمی، توانستند فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام را آشکارا تبلیغ و ترویج کنند. (یعقوبی، ۱۳۵۶، ص ۱۶۹) موسی بن عبدالله بن سعد نخستین فرد از خاندان اشعری بود که آشکارا به تبلیغ تشیع پرداخت. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۷۸) علاوه بر این، حمایت مالی خاندان اشعری از اهل‌بیت علیهم‌السلام نقش مهمی در گسترش مذهب تشیع داشت. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱) آنان اولین شیعیانی بودند که آشکارا خمس اموال خود را به ائمه معصوم علیهم‌السلام می‌دادند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۷۹) و پرداخت خراج به حکومت مرکزی را شرعاً حرام می‌دانستند. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۳-۱۶۴)

### مهاجرت سادات به قم

مهاجرت سادات به قم به دلیل احترامی بود که خاندان اشعری برای آنان قایل بودند. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷) ابن طباطبا در کتاب *منتقلة الطالبین*، نام بیش از سی نفر از آنان را با فرزندانشان ذکر کرده است. علاوه بر این، وجود قریب به چهارصد امامزاده در قم، نشانگر وسعت مهاجرت سادات به این شهر است. این مهاجران، که عمدتاً از شهرهای بغداد و کوفه می‌آمدند، مکاتب حدیثی این دو شهر و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را نیز منتقل می‌کردند که بر غنای علمی قم می‌افزود، تا آنجا که نام شهر «قم» مترادف با نام «تشیع» شد و جایگاه کوفه را در قرون دوم و سوم هجری اشغال کرد. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱-۱۷۲) مشهورترین شخصیت از سادات، که به قم مهاجرت نمود، علی بن محمد مشهور به «سلطان‌علی» فرزند امام محمد باقر علیه‌السلام بود که در دهه دوم قرن دوم به قم آمد و آرامگاهش در ارده‌ال قم است. (مدنی کاشانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷) ایشان به عنوان مبلغ از سوی امام باقر علیه‌السلام به سوی مردم فین و کاشان فرستاده شد. وی مدت سه سال به نشر تشیع پرداخت و سرانجام، توسط عمال حکومت به شهادت رسید. (همان، ص ۳۴) به هر حال، فرزندان ائمه اطهار علیهم‌السلام که به امامزاده و سادات مشهورند، در گسترش تشیع در ایران، به‌ویژه قم، نقش بسزایی داشتند. (الله‌باشی، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

### تعامل علمی قم با کوفه

تبادل حدیث بین مراکز علمی گوناگون متداول بوده است. حوزه کوفه نسبت به سایر حوزه‌ها، از قدمت خاصی برخوردار بود و حدیث آن به شاگردان صادقین علیهم‌السلام منتهی می‌شد، به‌گونه‌ای که از نظر تعداد روایات و کثرت راویان، هیچ حوزه‌ای با آن قابل مقایسه نبود. (معارف، ۱۳۷۴، ص ۳۷۹) خانواده‌های بزرگی همچون آل اعین در کوفه، مواریت فقهی و حدیثی صادقین علیهم‌السلام را در اختیار داشتند، در صورتی که در قم، بیشتر

راویان امام هشتم تا یازدهم علیهم‌السلام حضور داشتند. با توجه به این مسئله، هر کدام از این دو حوزه برای تکمیل علوم و اطلاعات خود، از یکدیگر بی‌نیاز نبود و با هم ارتباط داشتند. (همان، ص ۳۸۰) از جمله بزرگان قم و ری، که با مشایخ کوفه در ارتباط بودند و از آنها حدیث نقل کردند، عبدالله بن جعفر حمیری، (نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۹۴۹) شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۱۷) و احمد بن محمد بن عیسی رئیس حوزه علمیه قم (نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۸۰) را می‌توان نام برد. از دیگر اشخاصی که به کثرت مسافرت و «استاد» شهرت دارد، ابراهیم بن هاشم قمی است. وی از راویان کوفی است که به دلیل سکونت در قم، به «قمی» مشهور شد (معارف، ۱۳۷۴، ص ۳۸۲) و اولین کسی بود که حدیث کوفیان را در قم منتشر ساخت. (نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۱۸)

#### گسترش تشیع از کوفه و قم به سایر شهرهای ایران

تشیع در قم چنان نیرومند بود که مناطق و شهرهای اطراف را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داد. مردم ری از قرن دوم هجری، تحت تأثیر اشعریان قم و به دنبال مهاجرت سادات به این مناطق، به مذهب تشیع گرویدند. روابط فکری میان ری و قم از عوامل اصلی انتقال تشیع از قم به ری بود. علی بن حسین بن موسی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) در قم می‌زیست و با ری نیز رفت و آمد داشت. شیخ صدوق نیز در قم متولد شد و در سال ۳۴۷ هجری در ری مقیم گردید. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۳۷) سقوط امویان و آزادی نقل حدیث موجب شد تا کسانی، حتی از میان اهل سنت، روایاتی در فضیلت ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل کنند. از جمله این افراد، شخصی کوفی به نام عبدالله بن عبدالقدّوس بود که در ری ساکن شد و تمام روایاتش مربوط به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام است. محمد بن اسحاق نیز در سفری که به ری داشت، سیره خود را در آنجا قرائت نمود. (جعفریان، ۱۳۷۱، ص ۱۵ و ۱۶)

علاوه بر این، ری همواره پناهگاه سادات و کسانی بود که پس از شکست قیام‌های شیعی متواری می‌شدند؛ چنان‌که یحیی بن زید پس از شکست قیام زید بن علی علیه السلام در کوفه، و یحیی بن عبدالله بن حسن پس از شکست قیام حسین بن علی بن حسن به این منطقه پناهنده شدند. اسامی بیش از شصت نفر از سادات مهاجر به ری در منابع ذکر شده است (ابن طباطبای، ۱۳۷۲، ص ۲۳۱) که هر یک خاندانی را در این شهر بنیان گذاشته‌اند. بیشتر این سادات با یکی دو واسطه از شاگردان سید مرتضی، شیخ طوسی و شیخ علی بودند که همین امر یکی از عوامل اصلی انتقال تشیع از عراق به ایران به شمار می‌آید. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱-۲۷۲) حضور ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی<sup>۱</sup> از وکلای امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف - و نیز حضور سادات برجسته‌ای همچون عبدالعظیم حسنی و حسن بن زید (داعی کبیر) بنیانگذار دولت علویان طبرستان را می‌توان از دیگر عوامل گرایش مردم ری به مذهب تشیع دانست. (خضری، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰-۲۷۱) به‌طور کلی، ری با قریب ۵۰ صحابی، پس از قم (۱۴۰ صحابی)، بالاترین پیوند را با ائمه اطهار علیهم السلام در ایران داشت. (خضرمی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵) یکی از صحابه برجسته امامان معصوم علیهم السلام حضرت عبدالعظیم حسنی، از یاران امام رضا، جواد و هادی علیهم السلام بود که آمدن ایشان به ری، زمینه‌ای برای رشد دعوت شیعی گردید. (جعفریان، ۱۳۷۱، ص ۱۹)

منطقه طبرستان در قرن سوم و با پذیرش اسلام زیدی، تسلیم مسلمانان شد. مردم این منطقه تا زمان استقرار علویان، از سرسخت‌ترین دشمنان عباسیان بودند که همین امر سبب مهاجرت مخالفان خلافت عباسی، از جمله سادات به این ناحیه می‌شد. یکی از نخستین کوچ‌ها، آمدن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن علیهم السلام به دیلم

۱. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی رازی (م ۳۱۲ق) وکیل ارشد امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف - در ری بود. (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲)

بود. آمدن علویان به این ناحیه، نفوذ تشیع را در آنجا به دنبال داشت، به طوری که هیچ سنی در آنجا باقی نماند. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۸) استرآباد نیز به دلیل نزدیکی به طبرستان، از قرن سوم با تشیع آشنا بود و در قرون پنجم و ششم هجری، شمار زیادی از شیعیان امامی در آنجا بودند. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹)

نفوذ تشیع در جرجان در نتیجه قیام عباسیان در خراسان رخ داد. داعیان عباسی با دعوت به «الرضا من آل محمد»، عده زیادی از مردم این ناحیه را با خود همراه کردند که بعدها و با آشکار شدن ماهیت اصلی خلافت عباسی، علیه عباسیان موضع گرفتند. (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۹) علاوه بر این، حضور علویان طبرستان در این ناحیه عامل تقویت تشیع بوده است. شیعیان جرجان در اوایل قرن چهارم، پرسش‌های فقهی خود را از شیخ مفید می‌پرسیدند و در قرن هشتم با مراکز علمی عراق در ارتباط بودند. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸) از قرن هفتم به بعد، جرجان شکل یک شهر شیعی به خود گرفت (نک. مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۹) و علما، مؤلفان و محدثان زیادی در آنجا سر برآوردند.<sup>۱</sup>

پس از سرکوب قیام مختار در سال ۶۶ ق و قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ ق در کوفه، سخت‌گیری نسبت به شیعیان به نهایت خود رسید که این امر منجر به تشدید مهاجرت آنان به ایران شد. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۰) شواهدی در دست است که عده‌ای از شیعیان پس از سرکوب قیام زید بن علی به ایران پناه آوردند. (ر.ک. طبری، ۱۳۷۲، ذیل وقایع سال ۲۵۵ ق) یکی از دلایلی که یحیی بن زید خراسان را برای قیام ضد اموی برگزید، جلب هواداران کوفی خود بود که آنها را به خراسان تبعید کرده بودند. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۳۱۱) یحیی بن زید رمز پیشرفت تشیع در خراسان بود. مراکز

۱. برای نمونه، نک. نجاشی، ۱۳۹۷، ص ۸۶، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۸۲، ۴۵۴ و ۴۵۵ / طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۵ / منتجب الدین، ۱۳۶۶، ص ۲۸ / آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ص ۲۶۰ و ۲۹۱.

عمده فعالیت وی شهرهای سبزوار، نیشابور، فاریاب، طالقان، طوس، بلخ، جوزجان و مرورود بود. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲) با این حال، کار تشکیلاتی منظم در نفوذ و گسترش تشیع در خراسان، مرهون تلاش داعیان و مبلغان کیسانی است که پس از شکست قیام مختار و پس از مرگ محمد بن حنفیه به امر فرزندش ابوهاشم به این مناطق گسیل شدند. (فلوتن، ۱۳۲۵، ص ۱۱۳) طبق برخی روایات، شیعیان خراسان زکات خود را به محمد بن حنفیه و پس از او به پسرش پرداخت می کردند. (ابن قتیبه، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۱۰۹) حضور موالی در اولین هسته‌های سری قیام «کیسانیه» در کوفه و اشتغال آنان به تجارت در مسیرهای بین خراسان و عراق و شام (محمد شعبان، بی تا، ص ۲۴۰)، نمایانگر آن است که احتمالاً اولین تماس‌های این گروه با جامعه ایرانی از طریق جذب طبقه نسبتاً مرفه و عمدتاً بازرگان آغاز شده است.

فعالیت مستقیم علویان در خراسان، با اعزام دو فرستاده از سوی زید بن علی علیه السلام به آن سرزمین آغاز شد (اصفهانی، ۱۹۸۷، ص ۱۴۲) و با قیام یحیی بن زید به اوج خود رسید. با وجود شواهدی دال بر شیعه امامی بودن خراسانیان و اینکه گاه کسانی از خراسان نزد امام صادق علیه السلام می آمدند و از آن حضرت احکام فقهی خویش را می پرسیدند، (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷) تا اوایل قرن دوم هجری، فعالیت تبلیغاتی مشخصی از سوی ائمه معصوم علیهم السلام در خراسان صورت نگرفته بود. با این همه، شواهدی وجود دارد که وسعت دامنه فعالیت علویان را در میان مردم خراسان در اواخر عهد اموی نشان می دهد. بیعت مردم خراسان، ری و گرگان با زید بن علی، (اصفهانی، ۱۹۸۷، ص ۱۳۲) پیشنهاد به یحیی بن زید برای رفتن به خراسان پس از شهادت پدرش، به منظور بهره‌مندی از حمایت شیعیان، (ر.ک. طبری، ۱۳۷۲، ذیل وقایع سال ۱۲۲ هجری) پرهیز سپاهیان خراسانی حاکم نیشابور از جنگ با یحیی و شکست سپاه ده‌هزار نفری و کارآزموده آنان از سپاه حداکثر هزار نفری یحیی، (اصفهانی، ۱۹۸۷، ص ۱۴۹) پیشنهاد خوارج به یحیی برای اتحاد و همکاری به قصد استفاده از پایگاه

اجتماعی علویان، (اصفهانی، ۱۹۸۷، ص ۱۴۶) میزان تأثر مردم خراسان در شهادت زید و فرزندش، و نیز فرار عبدالله بن معاویه طالبی به خراسان پس از شکست قیامش به امید بهره‌برداری از حمایت شیعیان همگی از میزان محبوبیت خاندان علوی در بین مردم خراسان حکایت دارد. (مفتخری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰-۱۳۱)

از قرون دوم و سوم به بعد، ساکنان سبزوار ترکیبی از مردمان بومی و قبایل مهاجر از شبه‌جزیره و عراق بود. علاوه بر این، بیهق منطقه‌ای سادات‌نشین بود و در قرون بعد، به پناهگاه شمار زیادی از آل‌علی علیه السلام تبدیل شد. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲) اما گرایش عمومی به تشیع در نیشابور، باید از اواخر قرن اول هجری همزمان با آمدن شماری از قبایل عراق به خراسان آغاز شده باشد. حضور قبایل یمنی، که از علاقه‌مندان ائمه اطهار علیهم السلام بودند، می‌تواند از دلایل رشد تشیع در این مناطق باشد. شیعه امامی در این شهر، با فراوانی شمار اصحاب امامان معصوم علیهم السلام در اوایل قرن دوم مطرح شد. از جمله این صحابی‌ان، فضل بن شاذان محدث شیعی نیشابوری (از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام) است. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲)

اصفهان بنا بر روایت بلاذری، در سال ۲۳ق توسط عبدالله بن بُدَیل بن وِرقاء خُزاعی، از شیعیان امام علی علیه السلام، به صلح فتح شد، به شرطی که مردمش خراج و جزیه بپردازند. حضور خزاعی‌ها در اصفهان مؤیدی بر این امر است. وی تا یک سال پس از خلافت عثمان، عامل آن شهر بود. (بلاذری، ۱۳۶۶، ص ۳۱۱) عامل مهمی که در شکل‌گیری تشیع اصفهان بسیار مؤثر بود، مهاجرت سادات به این شهر بود که در منابع تاریخی، دست‌کم نام ۳۳ نفر از آنها ذکر شده است. وجود مزار امام‌زادگان مشهوری که در قرن سوم هجری در اصفهان زندگی می‌کردند، بر این موضوع دلالت دارد. (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۵۲۲)

در دوران خلافت امام علی علیه السلام، دو تن از اصحاب آن حضرت، یزید بن قیس و مخنف بن سلیم بن حارث به حکومت آنجا رسیدند. (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۱۹۳) حضور



پررنگ ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی (نویسنده کتاب الغارات) و شیعیان و دانشمندان عراق در اصفهان، برای مبارزه با نگرش عثمانی در این شهر و آگاهی مردم از تشیع بود. در میان اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام نیز کسانی از اصفهان بودند (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵) که از آن جمله، می‌توان ابراهیم بن شبیه اصفهانی از یاران امام هادی علیه السلام را نام برد. (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱)

قدمت تشیع در اهواز به قدمت تشیع در قم بود و ارتباط این دو شهر در منابع کاملاً قابل اثبات است. دو تن از شیعیان برجسته این دوره، علی بن مهزیار و حسین بن سعید بن حماد اهوازی با قم ارتباط داشتند. شماری از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام نیز اهوازی بودند که از آن جمله‌اند: احمد بن علی بن عبدالله بن عباس، فضالة بن ایوب ازدی، و عبدالله بن محمد بن حصین حصینی عبدی.<sup>۱</sup>

#### ارتباط علمای قم با ائمه اطهار علیهم السلام

به طور کلی، در میان فقها و محدثان خاندان اشعری از ابتدای سکونتشان در قم تا آغاز قرن پنجم، ۱۴ نفرشان صحابی امام باقر علیه السلام، ۱۶ نفر صحابی امام صادق علیه السلام، ۱۴ نفر صحابی امام کاظم علیه السلام، ۲۱ نفر صحابی امام رضا علیه السلام، ۲۰ نفر صحابی امام جواد علیه السلام، ۱۵ نفر صحابی امام هادی علیه السلام، ۱۳ نفر صحابی امام حسن عسکری علیه السلام و ۳ نفر از مرتبطان با امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بودند. (خضری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲-۱۷۴) از مجموع علمای اشعری، ۷ نفر در قرن دوم، ۱۲ نفر در قرن سوم و ۷ نفر در قرن چهارم می‌زیستند. اما از مجموع علما و صحابیان اشعری، ۳۸ نفر در قرن دوم، ۳۳ نفر در قرن سوم و ۷ نفر در قرن چهارم می‌زیستند. این آمار نشان‌دهنده پیوند مستحکم و ارتباط وسیع اشعریان با ائمه اطهار علیهم السلام است. (حاج تقی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۱)

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳.

## نتیجه

عوامل اصلی انتقال تشیع از کوفه به ایران را می‌توان چنین برشمرد: نزدیکی کوفه به ایران و کارکرد طبیعی آن در انتقال فرهنگی، جمعیت زیاد ایرانیان ساکن کوفه و انتقال تشیع به ایران در اثر ارتباطات طبیعی آنها با داخل کشور، انتخاب کوفه به مرکزیت خلافت و نظارت مستقیم امام علی علیه السلام بر ایران، سیاست‌های مساوات‌طلبانه امام علی علیه السلام نسبت به ایرانیان کوفه و داخل کشور در مقابل سیاست‌های عرب‌گرایانه و ضد ایرانی دیگر خلفا، جنبش‌های شیعی کوفه و حمایت فکری و نظامی ایرانیان از این جنبش‌ها، مهاجرت اشعریان به قم و انتقال دستاوردهای شیعیان کوفه به این شهر، انتقال شمار زیادی از ایرانیان ساکن کوفه (و در نتیجه، انتقال تشیع) به نقاط گوناگون ایران مانند خراسان در دوره معاویه، ارتباط علمی قم و ری با مرکز علمی کوفه، سیل مهاجرت سادات و بازماندگان جنبش‌های شیعی - به‌ویژه از کوفه - به نقاط گوناگون ایران و تبلیغ تشیع در این نواحی، افرادی که از کوفه به امارت ولایات شرقی گماشته می‌شدند و بیشتر پرورش یافته مکتب ائمه معصوم علیهم السلام بودند، شاگردان ایرانی ائمه اطهار علیهم السلام در کوفه، و ارتباط تجار و بازرگانان کوفی با مناطق گوناگون ایران (با توجه به ماهیت تجاری کوفه).

با شناختی که در این پژوهش از اشعریان به عنوان عوامل اصلی انتقال تشیع به ایران ارائه شد و با توجه به ارتباط مستمر ایشان با ائمه اطهار علیهم السلام و مراکز معتبر تشیع در جهان اسلام، می‌توان به اصالت تشیع در ایران و انطباق آن با تعالیم ائمه اطهار علیهم السلام اقرار نمود.

## منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، **الثقات العيون في سادس القرون**، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۲. ابراهیم حسن، حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ سوم، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶.
۳. ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبة‌الله، **شرح نهج‌البلاغه**، به اهتمام محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۴.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل**، مصر، المطبعة الكبرى، ۱۲۹۰.
۵. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، **الفتوح**، ترجمه کهن فارسی احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **تهذیب التهذیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲.
۷. ابن خیاط، خلیفه، **التاریخ**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۸. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، تصحیح محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
۹. ابن طباطبا، ابراهیم بن ناصر، **مهاجران آل ابی طالب**، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۰. ابن قتیبه، عبد‌الله بن مسلم، **الإمامة و السياسة**، تحقیق طه محمد الزینی، قاهره، مؤسسه الحلبي، ۱۹۶۷.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، قاهره، بی‌نا، ۱۲۸۵.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، **الفهرست**، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۱۳. احمدی، عبدالهادی، «نقش شیعیان کوفه در دوره امام رضا و امام جواد (ع)»، **مشکوٰۃ**، ش ۳۵، (تابستان ۱۳۷۱).
۱۴. اردبیلی، محمد بن علی، **جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد**، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳.
۱۵. اردبیلی، محمد بن علی، **جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد**، قم، مكتبة المصطفوی، بی‌تا.
۱۶. اصطخری، ابراهیم، **مسالك و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

۱۷. اصغری‌نژاد، محمد، «عبدالملك بن اعين»، **تاریخ اسلام**، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۹، (بهار ۱۳۸۱).
۱۸. اصفهانی، ابوالفرج، **مقاتل الطالبیین**، تحقیق سیداحمد صقر، ج دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۷.
۱۹. الافغانی، سعید، **اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام**، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۴.
۲۰. الله‌باشتی، علی، «ریشه‌های پیدایش و گسترش تشیع در قم»، **شیعه‌شناسی**، ش ۱۲، ۱۳۸۴.
۲۱. امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، ترجمه زین‌العابدین قربانی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۲.
۲۲. ایزدی، حسین، «جغرافیای تاریخی کوفه»، **تاریخ اسلام**، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۴، (زمستان ۱۳۷۹).
۲۳. براقی، حسین بن سید احمد، **تاریخ الکوفه**، ج سوم، نجف، حیدریه، ۱۳۸۸.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، اورشلیم، دانشگاه اورشلیم، ۱۹۳۶.
۲۵. بلاذری، احمد بن یحیی، **فتوح البلدان**، ترجمه دکتر محمد توکل، بی‌جا، نقره، ۱۳۶۶.
۲۶. بلاذری، احمد بن یحیی، **فتوح البلدان**، قاهره، بی‌نا، ۱۹۳۲.
۲۷. بوصیری، محمد بن سعید، **الکواکب الدرّیه**، تهران، سروش، ۱۳۶۱.
۲۸. ترابی، احمد، **امام باقر (ع) جلوه امامت در افق دانش**، تحقیق گروه تاریخ اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۲۹. جعفری، سید حسین‌محمد، **تشیع در مسیر تاریخ**، ج سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۰. جعفریان، رسول، **اطلس شیعه**، ج سوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹.
۳۱. جعفریان، رسول، **تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
۳۲. جعفریان، رسول، **تاریخ خلفا**، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
۳۳. جعفریان، رسول، **تاریخ گسترش تشیع در ری**، ری، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۷۱.
۳۴. جنابی، کاظم، **تخطيط مدينة الكوفة عن المصادر التاريخية و الاثریه**، مقدمه احمد فکری، بغداد، مجمع العلمي العراقي، ۱۳۸۶.
۳۵. حاج‌تقی، محمد، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، **قرآن و حدیث**، ش ۵، ۱۳۷۶.
۳۶. حیدرنیا، محسن، «علی (ع) و ایرانیان»، **صحیفه مبین**، ش ۲۵، (زمستان ۱۳۷۹).

۳۷. خضری، احمدرضا، و دیگران، تاریخ تشیع ۲: دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه، چ سوم، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۳۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۷.
۳۹. خوئی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، بیروت، مدینه العلم، ۱۴۰۹.
۴۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۴۱. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۳۴۶.
۴۲. دینوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲.
۴۳. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، تحقیق مؤسسة الإمام المهدي (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، قم، مؤسسة الإمام المهدي (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، ۱۴۰۹.
۴۴. رجبی، محمدحسین، «بررسی انتخاب کوفه به عنوان مرکز خلافت اسلامی»، مصباح، ش ۳ و ۴، ۱۳۷۱.
۴۵. رجبی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۶۵.
۴۶. زبیدی، محمدحسین، الحياة الاجتماعية و الاقتصادية في الكوفة، قاهره، بی‌نا، ۱۹۷۰.
۴۷. الزراری، ابی‌غالب، رسالة ابی‌غالب الزراری و تکملتها لابی عبدالله الغضائری، تحقیق محمدرضا حسینی، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، بی‌نا.
۴۸. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، ج ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۴۹. سپهری، عباسقلی بن محمدتقی بن محمد علی، ناسخ التواریخ، تهران، بی‌نا، ۱۴۱۹.
۵۰. شاهرخی، سید علاء‌الدین، «تاریخ و فرهنگ اسلامی: نقش ایرانیان کوفه در نهضت مختار»، مشکوة، ش ۱۰۰، (پاییز ۱۳۸۷).
۵۱. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگی امام موسی کاظم (ع)، قم، کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۶۹.
۵۲. شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، مجالس المؤمنین، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۳. صدر حاج سیدجوادی، احمد و کامران فانی و بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، دائرة المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی، ۱۳۸۴.
۵۴. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، تصحیح علی‌اکبر غفّاری، قم، اسلامی، ۱۳۷۹.

۵۵. صفّار قمی، محمّد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات فی فضایل آل محمّد*. تصحیح میرزامحسن کوجه‌باغی تبریزی، قم، کتاب‌خانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۵۶. صفری، مسعود، «حیره؛ عامل انتقال فرهنگ»، *تاریخ اسلام*، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۱۰، (تابستان ۱۳۸۱).
۵۷. صنعانی، عبدالرزاق بن همّام، *المصنّف*، به اهتمام حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۹۸۳.
۵۸. ضیف، شوقی، *العصر الجاهلی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۵۹. طبری، محمّد بن جریر، *الأمم و الملوک*، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۹۸۷.
۶۰. طبری، محمّد بن جریر، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ چهارم، بی‌جا، اساطیر، ۱۳۷۲.
۶۱. طبری، محمّد بن جریر، *تاریخ الرسل و الملوک*، تهران، جهان، ۱۸۸۱.
۶۲. طوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن بن علی، *اختیار معرفة الرجال*، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۶۳. طوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن بن علی، *رجال الطوسی*، نجف، حیدریه، ۱۳۸۰.
۶۴. طوسی، ابوجعفر محمّد بن علی، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، ۱۴۱۱.
۶۵. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، *طبقات مفسران شیعه*، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۲.
۶۶. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، مکتبه النهضة، ۱۹۷۱.
۶۷. عمادی، عبدالرحمان، «سرخایان دیلم و طبرستان و قیام مختار در کوفه»، *زبان و ادبیات*، ش ۴، ۱۳۶۰.
۶۸. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۶۹. فضل بن شاذان، *الإيضاح*، تحقیق محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
۷۰. فلوتن، فان، *تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه*، ترجمه مرتضی هاشمی حائری، تهران، کتاب‌خانه و چاپ‌خانه اقبال، ۱۳۲۵.
۷۱. قربان‌پور دشتکی، سیمین، «کوفه و تحولات سیاسی صدر اسلام»، *تاریخ اسلام*، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۲۳، (پاییز ۱۳۸۴).

۷۲. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
۷۳. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، بی‌جا، جاویدان، بی‌تا.
۷۴. کرون، پاتریشیا، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام، ترجمه مسعود جعفری، تهران، سخن، ۱۳۸۹.
۷۵. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، کربلاء، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
۷۶. لسترینج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷۷. مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ترجمه احمد نمائی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۷۸. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۳.
۷۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ سوم، بیروت، وفاء، ۱۴۰۳.
۸۰. محلاتی، ذبیح‌الله، مجالس الواعظین، تصحیح مسترحمی جرقویه‌ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۱.
۸۱. محمد شعبان، عبدالحی، الثورة العباسیه، ترجمه عبدالمجید القیسی از انگلیسی به عربی، بی‌جا، دارالدراسات الخلیجیه، بی‌تا.
۸۲. محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران، توس، ۱۳۷۹.
۸۳. مزی، جمال‌الدین یوسف، تهذیب الکمال، تحقیق احمد علی عبید و حسن احمد آغا، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۸۴. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۸۵. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۶۸.
۸۶. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱.
۸۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
۸۸. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، بی‌جا، ضریح، ۱۳۷۴.

۸۹. مفتخری، حسین، «اولین نکاپوهای تشیع در خراسان»، **تاریخ اسلام**، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۱، (بهار ۱۳۷۹).
۹۰. منتجب‌الدین، علی بن عبدالله، **الفهرست**، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۶۶.
۹۱. منقری، نصر بن مزاحم، **پیکار صفین**، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
۹۲. نجاشی، احمد بن علی بن عباس، **رجال النجاشی**، قم، داوری، ۱۳۹۷.
۹۳. الهامی، داود، «کوفه؛ پایگاه فعالیت شیعیان»، **درس‌هایی از مکتب اسلام**، سال بیست و هفتم، ش ۱۱، ۱۳۶۶.
۹۴. هنرفر، لطف‌الله، **گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان**، اصفهان، بی‌نا، ۱۳۵۰.
۹۵. هیندز، مارتین، «ریشه‌شناسی جریان‌های سیاسی کوفی در نیمه نخست قرن اول هجری/هفتم میلادی»، ترجمه محمدعلی رنجبر، **تاریخ اسلام**، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۹، (بهار ۱۳۸۱).
۹۶. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله بن عبدالله، **معجم البلدان**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹.
۹۷. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله بن عبدالله، **معجم البلدان**، بیروت، دار صادر، ۱۹۵۶.
۹۸. **یشت‌ها**، گزارش ابراهیم پورداود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
۹۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **البلدان**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
۱۰۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ یعقوبی**، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰.
۱۰۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.